

به نام خدا

گذار زندگی

(تبار و نسب‌شناسی طایفه‌ی قیلون کشون پاکستان)

نویسنده :

دکتر جواد رحمانی

انتشارات گیوا

سرشناسه	: رحمانی، جواد، ۱۳۵۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: Rahmani, Javad
مشخصات نشر	: گذار زندگی: (تبار و نسب‌شناسی طایفه‌ی قیلون‌کشون تاکستان)/ نویسنده جواد رحمانی؛ ویراستار لیلا رحمانی.
مشخصات ظاهری	: تهران: گیوا، ۱۴۰۰.
شابک	: ۳۷۰ ص: مصور(بخشی رنگی)، عکس(بخشی رنگی)، جدول. : 978-600-451-856-7
وضعیت فهرست نویسی	: قیبا
عنوان دیگر	: تبار و نسب‌شناسی طایفه‌ی قیلون‌کشون تاکستان.
موضوع	: قیلون‌کشون (طایفه) -- نسنامه
موضوع	: Qilounkeshoun (Iranian Tribe) -- Genealogy
موضوع	: طایفه‌ها -- ایران -- تاکستان
موضوع	: TakestanClans -- Iran --
شناسه افزوده	: رحمانی، لیلا، ۱۳۵۷ -
رده بندی کنگره	: DSR۷۲
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۹۸۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۶۷۳۵۴۶

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای کارگر خاکی، کوچه مهدی‌زاده،
پلاک ۱، طبقه ۴ شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۱۲۳۸۸۰



عنوان کتاب	: گذار زندگی
نویسنده	: (تبار و نسب‌شناسی طایفه‌ی قیلون‌کشون تاکستان)
ویراستار	: جواد رحمانی
ناشر	: لیلا رحمانی
صفحه‌آرا	: انتشارات گیوا
طراحی جلد	: آدینه کبرایی
سال و نوبت چاپ	: سیده محبوبه حسینی
شمارگان	: تابستان ۱۴۰۰ / اول
شابک	: ۱۰۰۰
قیمت	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۱-۸۵۶-۷
	: ۱۳۹ هزار تومان
	: فقط جهت فروش در افراد خاندان.
	: فروش برای عموم ممنوع است.

حق چاپ و نشر، بر اساس قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان برای ناشر محفوظ است.

پیشگفتار

کتاب حاضر درباره شجرنامه طایفه ی قیلون کشون در مدت قریب به دو سال به رشته تحریر در آمده است. این طایفه به چند شاخه: کلبا سلمون ولداولاد، حسن می ولداولاد، مش حسین ولداولاد، حاج غلامحسین ولداولاد، حبیب اله (پدر اسداله) ولداولاد، استا نقی ولداولاد، قنبر ولداولاد، باقر ولداولاد، مش اکبری ولداولاد و... تقسیم می شود. از طرف دخترها و عروس ها نیز با طوایف دیگری نظیر: بابا اولاد، سبزه علی اولاد، شقاقی اولاد، بهرامه اولاد، رضی اولاد، شکره اولاد، دوشا ولداولاد، چچلان، مدلخون، جعفره اولاد و... وصلت نموده اند. نام خانوادگی این طایفه رحمنی و رحمانی می باشد. روش جمع آوری اطلاعات به صورت میدانی بوده و از تک تک خانواده ها و از سنین پایین تا بزرگسال و کهنسال، مرد و زن در تکمیل این شجره نامه استفاده شده است. سعی گردیده تاریخ تولد و وفات بزرگان نیز ذکر و زندگی نامه برخی از آن ها بیان شود. این طایفه در محله قدیمی خنداق در شهر تاجکستان زندگی می کنند. البته تعدادی از آن ها به شمال شهر و یا به شهرها و کشورهای دیگر مهاجرت کرده اند. شغل اکثریت آن ها در گذشته کشاورز، دامدار، نجار و بنا بوده است. در حال حاضر تعداد زیادی از فرزندان و نوادگانشان در پست های مهم مشغول به خدمت هستند. اما چیزی که همگی این خاندان به آن افتخار می کنند وجود انسان هایی وارسته و پاک به نام کربلایی سلمان، مشهدی حسن، مشهدی حسین، حاج غلامحسین، مشهدی حبیب اله، مشهدی نقی، کربلایی رضا قلی، عباسعلی، مشهدی امامعلی و ... است که هر چه در توان داشتند در طبق اخلاص گذاشتند. در پایان از زحمات سرکار خانم لیلا رحمانی برای ویراستاری این کتاب ارزشمند که یادگار اجداد، بزرگان و خاندان ماست، سپاسگزارم.

دکتر جواد رحمانی - تاجکستان

تابستان ۱۴۰۰

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
مقدمه.....	۱۱
فصل اول: طایفه‌ی قیلون‌کشون.....	۱۵
شهر مضمون (شهر رمضان) رحمانی.....	۱۵
محدوده سکونت طایفه‌ی قیلون‌کشون.....	۱۶
کربلایی سلیمان رحمانی نجار.....	۱۷
کربلایی سلمان نجار (کلبا سلمون نجار).....	۲۰
مشهدی موسی رحمانی نجار فرزند کربلایی سلمان.....	۲۵
مشهدی ستار رحمانی نجار فرزند موسی.....	۲۶
حاج محرم رحمانی (پاسدار) فرزند موسی.....	۳۰
حاج جبار رحمانی فرزند موسی.....	۳۴
پرویز رحمانی فرزند حاج شعبان.....	۴۵
شهید محمد سیکرو.....	۴۸
مشهدی عیسی قلی رحمانی نجار فرزند کربلایی سلمان.....	۵۱
حاج محمد رحمانی عیسی.....	۵۶
سید جواد توسلی.....	۶۰
نوادگان نارنج طاهرخانی.....	۶۰
حاج رحمان رحمانی فرزند کربلایی سلمان.....	۶۱
عباد اله رحمانی.....	۶۳
ثریه (ثریا) رحمانی فرزند کربلایی سلمان نجار.....	۶۵
حجت رحمانی اسداله.....	۷۰
نصرت (نصر / نصرمی) رحمانی اسداله.....	۷۳
هاجر رحمانی فرزند کربلایی سلمان.....	۸۶
هاشم رحمانی.....	۸۷
مشهدی حسن نجار رحمانی.....	۹۰
حاجی محمد رحمانی فرزند مشهدی حسن نجار.....	۹۱

۹۷.....	علی رحمانی.....
۱۰۸.....	فاطمه رحمانی فرزند مشهدی حسن نجار.....
۱۰۹.....	حاج حجت رحمانی نجار فرزند مشهدی حسن نجار.....
۱۱۵.....	مشهدی حسین رحمانی نجار (مش حسین ولد اولاد) (لا لا) فرزند کربلایی سلیمان نجار.....
۱۲۰.....	حاجی قربان رحمانی.....
۱۲۳.....	عباس رحمانی مشهدی حسین.....
۱۲۶.....	کبری (مکرم / مکرمه) رحمانی.....
۱۳۰.....	افسانه گنجی، صفیه رحمانی.....
۱۳۰.....	نجیبه (نجمه / نجمه) رحمانی همسر حاج رضاقلی.....
۱۴۲.....	عزیز رحمانی.....
۱۴۴.....	ملکه رحمانی فرزند حاجی رضاقلی.....
۱۴۷.....	کربلایی معصومه (ناصری / ناصره / ناصریه) طاهرخانی فرزند حاجی رضاقلی.....
۱۵۲.....	فاطمه طاهرخانی (صدری) فرزند حاجی رضاقلی.....
۱۵۵.....	گلزار رحمانی فرزند حاجی رضاقلی.....
۱۵۶.....	حاج محمد رحمانی.....
۱۵۷.....	اصلی رحمنی فرزند حاجی رضاقلی.....
۱۶۱.....	حلیمه (امینه / امینه خاتون) رحمانی فرزند مشهدی حسین رحمانی نجار.....
۱۶۵.....	سمت چپ: حامد رحمانی.....
۱۶۵.....	وحید رحمانی غلامرضا.....
۱۶۶.....	غلامعلی (علی) رحمانی حسنعلی.....
۱۶۷.....	علی رحمانی حسنعلی و همسرش مریم طاهری رجبعلی.....
۱۶۸.....	صابر (محمد) رحمانی علی.....
۱۶۸.....	محسن رحمانی علی.....
۱۶۹.....	فرزاد طاهرخانی رضا.....
۱۶۹.....	محمد میری الیاس.....
۱۶۹.....	سکینه رحمانی حسنعلی.....
۱۷۲.....	کدخدا حسنقلی (سنقلی).....
۱۷۳.....	محمود رحمانی.....

۱۸۳	قربانعلی رحمانی زکریا
۱۸۳	محرم رحمانی زکریا
۱۸۳	اصغر رحمانی زکریا
۱۸۳	اکبر رحمانی زکریا
۱۸۳	جبار رحمانی زکریا
۱۹۹	شهلا رحمانی حاج ذکریا
۲۰۱	حاج آقا رحمانی
۲۰۴	قدرت رحمانی
۲۰۸	استانقی رحمانی نجار
۲۰۹	آقا رحمانی
۲۲۰	حاج غلامحسین رحمانی
۲۲۴	جهان رحمانی ملا زین العابدین
۲۲۴	استاد حاج آقا
۲۲۸	شهید ابراهیم رحمانی فرزند استاد حاجی آقا
۲۲۸	وصیت نامه شهید ابراهیم رحمانی
۲۳۶	نوادگان حاج محمد رحمانی
۲۳۷	صدری رحمانی فرزند استاد حاج آقا
۲۳۸	ابوالفضل رحمانی حاج همت
۲۴۲	ملکی رحمانی فرزند استاد حاج آقا
۲۴۵	محمد رضا شعبانیان احمد
۲۴۵	عبدالحسین شعبانیان احمد
۲۴۵	دکتر حسن جلیلود حجّت اله
۲۴۵	علی افشار ونگینی محرم
۲۴۶	نوادگان ملکی رحمانی همسر رضا رحمانی حسن
۲۴۷	بابک شعبانیان رضا
۲۴۷	بابک شعبانیان رضا
۲۴۷	حمید شعبانیان حسین
۲۴۷	محمد رضا حاج آقای عباس

تبارنامه یا شجره‌نامه یا دودمانه یا نسب‌نامه فهرست منظمی است که نسبت افراد با یکدیگر را نشان می‌دهد؛ رایج‌ترین این نسبت‌ها، نسبت پدر و فرزندی است. در این‌گونه تبارنامه، نام پدران و فرزندان را به ترتیب پشت سر هم قرار می‌دهند. دوره زندگی هر فرد را تا وقتی که جای خود را به دیگری بدهد، نسل می‌نامند که واژه آن به معنی فرزند است. تبارنامه فقط دربردارنده فهرست پدران و فرزندان نیست بلکه برادران را نیز می‌توان در آن نشان داد. مثلاً پس از گذشت یک نسل، برادران برای نسل بعدی به صورت عمو درمی‌آیند. در تبارنامه پدران و فرزندان پشت سرهم قرار می‌گیرند؛ در حالی که برادران در یک ردیف در کنار هم واقع می‌شوند.

یک تبارنامه در برگرفته گروهی از انسان‌هاست که با یکدیگر پیوند خویشاوندی دارند. در وهله اول، تبارنامه بیانگر نسبت انسان‌ها با یکدیگر است. نسب‌نامه ساده‌ترین وسیله برای نشان دادن روابط افراد خویشاوند اعم از خویشاوندان نسبی و خویشاوند سببی است. از آنجا که هر فرد دارای یک تاریخ تولد و یک تاریخ مرگ است، تبارنامه آسان‌ترین راه برای نشان دادن ترتیب افراد است. در تبارنامه افراد مانند حلقه‌های زنجیر با یکدیگر مربوط و متصل هستند. این ارتباط و اتصال، در تبارنامه، نمود می‌یابد.

تبارنامه‌ها چهارچوب مناسبی برای ارائه و شناخت رویدادهای تاریخی هستند. دومین کاربرد تبارنامه‌ها، بازشناسی افراد همنام از یکدیگر بوده است. یادگیری از این روش بازشناسی هنوز در بین تاکستانی‌ها وجود دارد که برای مشخص کردن افراد نام پدرشان استفاده می‌کنند؛ مثلاً می‌گویند باقر استابان. در بین عرب‌ها استفاده از کنیه نیز رایج است. معمولاً یک مرد خود را به اسم فرزند خود می‌شناساند. گاهی اوقات هم افراد نام خود را از پدر بزرگشان می‌گیرند و حتی نسب از مادر به فرزند می‌رسد مانند امله مرم (محرم فرزند ام‌البین). امروزه در بسیاری از کشورها، برای شناسایی افراد، در کنار نام از نام خانوادگی استفاده می‌کنند. دانش مطالعه تبارنامه‌ها را نسب‌شناسی یا تبارشناسی می‌نامند. بلندترین شجره‌نامه موجود در دنیا تا به امروز شجره نامه فیلسوف چینی کنفوسیوس می‌باشد که او از نوادگان پادشاه چینی به نام «تنگ» بوده است. این شجره شامل هشتاد نسل است و بیش از دو میلیون عضو دارد.^۱

چند مورد را درباره شناسنامه باید خاطر نشان کرد:

۱- ثبت احوال به صورت یکپارچه و منسجم در جهان مربوط به قرن نوزدهم میلادی است. در ایران همزمان با نوسازی و مدرنیزاسیون و نیاز به شناسایی اتباع جهت ایجاد ارتش منظم، اخذ مالیات و...

- تأسیس ثبت‌احوال در دستور کار قرار گرفت از این‌رو در جلسه مورخه سی آذرماه ۱۲۹۷ هجری شمسی به تصویب هیئت‌وزیران رسید.
- ۲- در ایران، نخستین مجموعه رسمی ثبت‌احوال در سوم دی‌ماه ۱۲۹۷ به عنوان بخشی از بلدیة تأسیس شد و نخستین سند ولایات یا همان شناسنامه ایرانی (که در آن زمان سجل نامیده می‌شد) در دوران قاجار و در تاریخ سوم دی ۱۲۹۷ برای دختری به نام «فاطمه ایرانی» در تهران صادر شد.
- ۳- اولین قانون ثبت‌احوال مشتمل بر ۳۵ ماده در خرداد سال ۱۳۰۴ هجری شمسی در مجلس شورای ملی وقت تصویب شد. بر اساس این قانون مقرر گردید کلیه اتباع ایرانی در داخل و خارج از کشور باید دارای شناسنامه باشند.
- ۴- اولین شناسنامه در پاکستان در سال ۱۳۰۴ برای آقای کدخدا رمضان طاهرخانی فرزند رجبعلی (طایفه سبزعلی اولاد)، متولد ۱۲۵۵ به شماره شناسنامه ۱۲ در پاکستان صادر شده است.
- ۵- در اولین شناسنامه‌ها نام القاب اشخاص نیز نوشته می‌شد. مانند: کربلایی سلمان، مشهدی حسن.
- ۶- اگر کسی با هر مشخصاتی در ابتدا شناسنامه بگیرد با همان نام مشخصات در ثبت و احوال قابل جستجو است نه با مشخصاتی که بعداً عوض کرده است.
- ۷- با تصویب قانون مدنی کشور در سال ۱۳۱۳ ثبت‌نام خانوادگی نیز، اجباری شد. بر اساس قانون، سرپرست خانواده باید برای خانواده خود نام خانوادگی انتخاب می‌کرد و نام خانوادگی تخصیص یافته از سوی وی به سایر افراد خانواده‌اش هم اطلاق می‌شد. از آن زمان تاکنون بیش از چهار نسل از ایرانیان به این نام‌های خانوادگی خوانده می‌شوند.
- ۸- در این دوران، افرادی به عنوان مأمور ثبت به مناطق مختلف فرستاده می‌شدند تا نام خانوادگی برای هر طایفه مرجع قانونی داشته باشد. گزینش نام خانوادگی نیز، معمولاً از چند روش پیروی می‌کرد که یکی از آن‌ها پیشه نیاکان در یک قوم است. محل اسکان قوم و نام یا شهرت بزرگ خاندان (پدر، پدربزرگ، جد)، از دیگر شیوه‌های متداول انتخاب نام خانوادگی بوده است. گاهی هم یک نام خانوادگی بر اساس شغل یا حرفه (همچون صراف، جواهریان، پزشک‌زاد) یا یک ویژگی بدنی یا فیزیکی (خوش‌چهره، قهرمان) بازی‌گشت.
- ۹- در پاکستان دو طایفه بزرگ رحمانی و طاهرخانی در کنار اقلیت‌های دیگر ساکن بودند. در هنگام ثبت نام خانوادگی، مسئول ثبت مشخصات سجلی، در برخی موارد رحمانی را به صورت رحمنی، نوشت که شکل عربی آن بوده بدون اینکه الف مقصوره بر روی حرف م بگذارد و طاهرخانی نیز در برخی موارد طاهری نوشته شد. این عامل در مورد خانوادگی رحمنی موجب ایجاد مشکلات عدیده‌ای برای نسل‌های بعدی شد زیرا رحمنی به صورت رحمتی، رحیمی و... نیز قرائت می‌شد. حتی در مدارس و دانشگاه‌ها، برای مدارک شخصی افراد مشکلات زیادی به وجود آورده است.